

# ارتباط میان برنامه درسی و یادگیری



## اشاره

آیا تا به حال به رابطه بین برنامه درسی و یادگیری فکر کرده‌اید؟ آیا تا به حال از خود پرسیده‌اید که این دو، در نظام آموزشی چگونه همدیگر را پوشش می‌دهند؟ آیا یادگیری اعم و برنامه درسی اخص است و یا برعکس؟ رابطه این دو را چگونه می‌توان تبیین کرد؟ این مقاله کوتاه را بخوانید. پرسش‌های شما بیشتر خواهد شد.

غلامرضا یادگارزاده

عضو هیئت علمی

سازمان سنجش آموزش کشور

مفهوم دیگر مرتبط با این بحث، واژه تدریس است که از آن تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است. کلمه تدریس از نظر لغوی اسم و به معنی کاری است که معلم انجام می‌دهد. بعضی تدریس را «بیان صریح معلم درباره آن‌چه که باید یاد گرفته شود» می‌دانند، برخی ارتباط متقابل بین معلم و شاگرد و محتوای درسی و برخی دیگر از متخصصان تعلیم و تربیت، «فراهم آوردن شرایط و اوضاع و احوالی که یادگیری را برای شاگردان آسان کند»، تدریس نامیده‌اند. و نیز تدریس عبارت از فرایند دوجانبه آموزش بین معلم و شاگرد است که به شناخت و راهنمایی شاگردان منجر می‌شود؛ خواه به شکل انفرادی باشد و خواه دسته جمعی. از نظر فرایندی، تدریس به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که هدف‌دار است، آگاهانه صورت می‌گیرد و اتفاقی یا تصادفی نیست.

کلمه برنامه درسی، معادل واژه "curriculum" است و از نظر لغت، از کلمه لاتین currere به معنای راهی که باید طی شود، گرفته شده است.

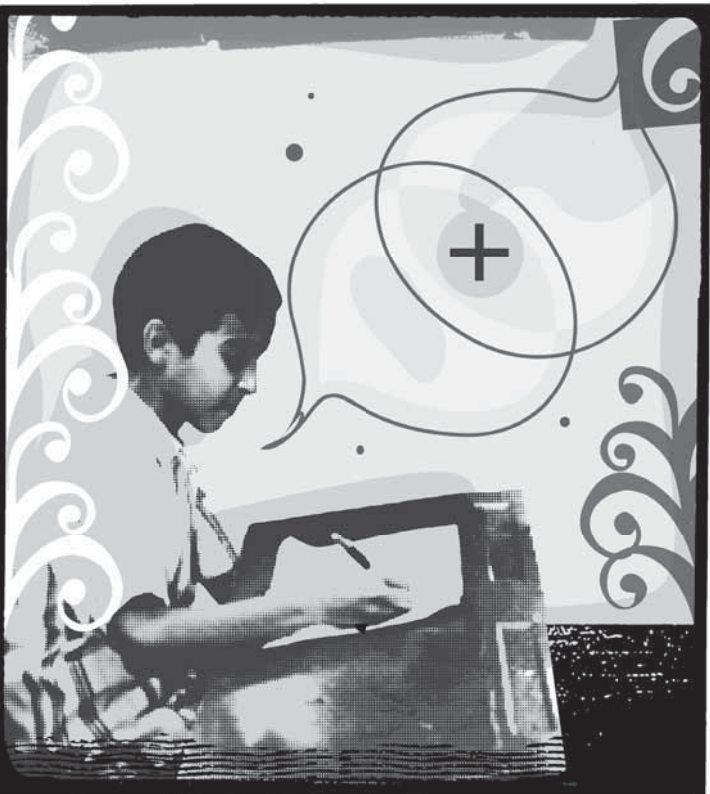
نظر گرفتن ریشه معنایی dialogue، برای معادل آن در فارسی می‌توان واژه «تراگویی» را برگزید که می‌شود نوعی از گفت‌وگو که به واسطه برقراری جریان معنا تحقق می‌یابد؛ گفت‌وگویی فراتر از گفتمان متداول که در آن روایی، پویایی، یکپارچگی و هم‌بستگی در همه ارکان شناخت در یک بستر واحد شکل می‌گیرد. روان‌شناسان یادگیری را چنین تعریف می‌کنند: یادگیری یعنی ایجاد تغییرات کم و بیش دائمی در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر این که تغییر در اثر تجربه رخ داده باشد. با توجه به این تعریف، تغییرات موقتی در رفتار، مانند هیجانان و خستگی، یادگیری به حساب نمی‌آید. از طرف دیگر، بر این نکته تأکید می‌شود که تغییرات حتماً در اثر تجربه رخ داده‌باشند. هم‌چنین، تأکید بر رفتار بالقوه برای این است که گاهی ممکن است رفتار یاد گرفته شده در ظاهر قابل مشاهده نباشد. مثلاً ممکن است دانش آموز مفهومی را یاد گرفته باشد، ولی این یادگیری زمانی قابل دید و عینی خواهد بود که در عمل آن را به کار بندد.

برنامه درسی،  
یادگیری، تدریس،  
دیالوگ، گفت‌وگو.



برنامه درسی و تدریس، دیالوگ (گفت‌وگویی دوسویه) هستند. ویلیام شوپرت، استاد پرآوازه برنامه درسی، از رابطه برنامه درسی و تدریس به عنوان دیالوگ یاد می‌کند. او این عبارت را از مجله انجمن آمریکایی تدریس و برنامه‌های درسی وام گرفته است. نگاهی به معنی عبارات جمله بالا، زمینه را برای درک بهتر فراهم خواهد کرد. دیالوگ یعنی نوعی گفت‌وگو که در بستری از جریان معنا، بین انسان و بخش دیگری از هستی صورت می‌پذیرد. به این بیان، دیالوگ یعنی گفت‌وگویی که در متن جریان معنایی شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد. واژه Dialogue (در یونانی dialogos) ترکیبی است از دو واژه لاتین dia و legein که اولی معادل trans به معنی «از طریق»، «در یا از میان»، «به واسطه» و یا «فراتر از» است و دومی یعنی سخن گفتن و گفت‌وگو کردن. به این طریق، با در

یادگیری یعنی ایجاد  
تغییرات کم و بیش  
دائمی در رفتار بالقوه  
یادگیرنده، مشروط  
بر این که تغییر در اثر  
تجربه رخ داده باشد



**ارتباط بین یادگیری  
و برنامه درسی به  
دیالوگی فعال و  
همه جانبه شبیه است**

به یک دیالوگ شبیه کرد که از هر زاویه‌ای یک شکل و شمایل دارد و مدام در حال دگرگونی و تحول است. بخش زیادی از آن قابل پیش‌بینی نیست و معلم به عنوان جهت دهنده آن، در بسیاری موارد فقط بیننده است. هرچند نمی‌توان این دیالوگ زیبا، وزن دار، معنی دار، شکیل، چند سویه و پویا بین یادگیری و برنامه درسی را در چند سطر تبیین کرد، اما می‌توان در مورد آن سؤال مطرح کرد. پرسش اصلی را من مطرح کردم و با این نوشته‌ها پر از ابهام، خواستم ذهن شما را به عنوان معلم (بخشی از این دیالوگ) تحریک کنم تا بار دیگر در خصوص برنامه درسی و یادگیری فکر کنید و جایگاه خود را به عنوان هدایت کننده این دیالوگ پیدا کنید و سپس تجربه‌ی‌تان را با دیگران در میان بگذارید.

شاید تمامی ویژگی‌های یادگیری را داشته باشد، اما فاقد نشاط و دیالوگ است. یعنی افراد در این موقعیت یادگیری، هر یک کار خود را می‌کنند و جهت‌هایشان متفاوت است. در چنین موقعیتی، دانش آموز در دیالوگی گرفتار شده که یک سویه، بی‌هدف، اریب، غیرفعال و بی‌روح است و عناصر حاکم در آن، توان جذب او را به عنوان هدف اصلی فرایند یادگیری و یا دیالوگ یادگیری ندارند. در چنین حالتی، دانش آموز بین برنامه درسی، تدریس، محتوا، محیط آموزشی و معلم، گیر می‌کند و نمی‌تواند راه خود را بیابد.

گفتم دیالوگ، روایی، پویایی، یکپارچگی و هم‌بستگی دارد و با گفت‌وگوهای معمولی متفاوت است. برنامه درسی به دلیل ماهیت پویایی، که دارد حتی اگر نظام آموزشی بخواهد آن را در حصار محدود خود گیر بیندازد، باز هم راه خود را پیدا خواهد کرد و نمی‌توانیم همه ابعاد آن را پیش‌بینی کنیم. این که یادگیری چگونه رخ می‌دهد و فرایندی که آن را تسریع می‌کند چگونه عمل می‌کند، موضوعی اساساً قابل بحث است و در این مقال نمی‌توان به آن پرداخت. اما این موضوع قابل تأمل است که ارتباط بین یادگیری و برنامه درسی به دیالوگی فعال و همه‌جانبه شبیه است. ما در نظام آموزشی و در لوای برنامه درسی، یاد می‌گیریم و انسان بودن را می‌آموزیم. این‌ها فقط بخشی از آن چیزی است که برنامه درسی به دنبال آن است. در تقابل یادگیری و برنامه درسی، ممکن است مواردی رخ دهد که قابل پیش‌بینی و رؤیت نیست و در برخی موارد با اهداف نظام آموزشی نیز در تضاد است. این را می‌توان

این تصور، بر یک مسیر یا برخی موانع یا وظایفی دلالت می‌کند که هر فرد بر آن‌ها غلبه پیدا می‌کند؛ یعنی مقوله‌هایی که دارای آغاز و انجام است و باید هدف‌هایی از آن‌ها منتج شود [ملکی، ۱۳۸۱: ۸]. با این وجود، در بسیاری از موارد، برنامه درسی از فهرستی از هدف‌های آموزشی و مطالبی که در مدارس باید تدریس شود، تجاوز نمی‌کند. در سال‌های اخیر، مفهوم برنامه درسی گسترش یافته است، تا آنجا که کلیه فعالیت‌های یادگیری توسط یادگیرنده، انواع وسایل آموزشی، پیشنهادهایی درباره راهبردهای یاددهی - یادگیری و شرایط اجرای برنامه را شامل شده است [لوی، ۱۳۸۰: ۲۴]. دامنه برنامه درسی در نگاه نو مفهوم گراها، کل زندگی فرد را در بر می‌گیرد.

از مفاهیم که بگذریم، می‌توانیم بگوییم کل فرایند یادگیری یک دیالوگ است که سمت ثابت آن دانش آموز و سمت دیگر آن برنامه درسی، معلم، محتوا، سایر دانش آموزان و... است. با تعریفی که از دیالوگ داشتیم، می‌توانیم مهم‌ترین ویژگی آن را معنی‌داری و تفکر محور بودن بدانیم که هم با ویژگی کلی تدریس و هم با مشخصه اصلی برنامه درسی سازگار است. اگر به آنچه در کلاس درس رخ می‌دهد نگاهی بیندازیم، می‌توانیم بگوییم ارتباط بین عناصر برنامه درسی و تدریس، گفتمانی هدف‌دار، منطقی و جهت‌دار است که دانش آموز را به سوی یادگیری هدایت می‌کند. بین عناصر متفاوت هر موقعیت یادگیری تبادل و جریانی مداوم رخ می‌دهد که سیالی آن به یادگیری نشاط و روح می‌بخشد. یادگیری طوطی‌وار،

**منابع**

۱. لوی، آ (۱۳۸۰). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی. برنامه‌ریزی درسی مدارس. ترجمه فریده مشایخ. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. ملکی، حسن (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل. انتشارات مدرسه. تهران.